

The Role of the Alexander Mirza Georgian Family in the Politics, Culture, and Economy of Modern Iran

*Abbas Panahi*¹

*Masoumeh Hanifeh*²

*Bamdad Bahar*³

Caucasian ethnic groups have had a close relationship with Iranians in recent centuries. Among the ethnic groups that played an important role in the political and economic structure of Iran during the Qajar era were the Georgians. This article attempts, using historical reports and data, to examine the presence of Georgian immigrants in Iran and to investigate the activities and life of Alexander Mirza Georgian and his children and descendants in the political structure of Iran. According to the available data, families such as Naqdi, Bahar, and Tehrani are among the descendants of Alexander Mirza. This research seeks to answer the question of what connection the ancestors of the Naqdi, Bahar, and Tehrani families had with the Georgian royal family? And whether historical documents confirm the origin of these families to Alexander Mirza? In this research, which was conducted using a descriptive-analytical method, one of the main ambiguities in the family narratives of this family is the doubts about the relationship between Sohrab and Afrasiab. Some members of this family have considered Afrasiab to be the son of Sohrab, while others have introduced both of them as the children of Alexander. The findings of the research, based on various historical sources, reject the first narrative and confirm the brotherly relationship between these two figures. Additionally, considering that the Naqdi family is attributed to Sohrab Georgian and the Bahar and Tehrani families are descendants of Afrasiab Khan, it can be claimed that the roots of these three families can be traced directly to one of the sons of Erekle II, King of Georgia. This study was conducted using documentary and library sources and data.

▪ **Keywords:**

Modern Iran, Qajar era, Alexander Mirza Georgian family, politics, culture, economy.

¹. Associate Professor, Department of History, Gil Studies Research Center, University of Guilan, Rasht- Iran (Corresponding Author) apanahi@guilan.ac.ir

². Ph.D. in Islamic Iranian History, Alzahra University, Tehran- Iran mas82hb@gmail.com

³. Bamdad Bahar, Chemical Engineering, Columbia University, New York- USA bamdadb@aol.com



نقش خاندان الکساندر میرزا گرجی در سیاست، فرهنگ و اقتصاد ایران معاصر

عباس پناهی^۱

معصومه حنیفه^۲

بامداد بهار^۳

چکیده

اقوام قفقازی در تاریخ چند سده اخیر پیوند تنگاتنگی با ایرانیان داشتند. از جمله گروه‌های قومی که در عصر قاجار نقشی مهم در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران ایفاء نمودند، گرجی‌ها بودند. مقاله پیش‌رو در تلاش است تا با استفاده از گزارش‌ها و داده‌های تاریخی، علاوه بر بررسی حضور مهاجران گرجی در ایران به بررسی فعالیت‌ها و زندگی الکساندر میرزا گرجی و فرزندان و بازماندگان وی در ساختار سیاسی ایران پردازد. با توجه به داده‌های موجود، خاندان‌هایی چون نقدی، بهار و تهرانیان در ایران از بازماندگان الکساندر میرزا هستند. پژوهش حاضر سعی دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که نیای خاندان نقدی، بهار و تهرانیان چه ارتباطی با خاندان سلطنتی گرجستان داشته‌اند؟ و آیا اسناد تاریخی، اصالت این خاندان‌ها به الکساندر میرزا را تأیید می‌کنند؟ در پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است، یکی از اتهامات اصلی موجود در روایات خانوادگی این خاندان، شُبّهاتی است که در باب ارتباط سهراب و افراسیاب با یکدیگر وجود دارد. برخی از اعضای این خاندان، افراسیاب را فرزند سهراب دانسته و برخی هر دوی آنها را فرزندان الکساندر معرفی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش با استناد به منابع تاریخی متنوع، روایت نخست را رد کرده و رابطه برادری این دو شخصیت را تأیید می‌کند. همچنین با توجه به این نکته که خاندان نقدی متسبب به سهراب گرجی و خاندان‌های بهار و تهرانیان از بازماندگان افراسیاب خان هستند؛ می‌توان ادعا نمود که ریشه این سه خاندان به صورت مستقیم به یکی از فرزندان پسر اراکلی دوم پادشاه گرجستان می‌رسد. مطالعه حاضر با استفاده از منابع و داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی:

ایران معاصر، قاجاریه، خاندان الکساندر میرزا گرجی، سیاست، فرهنگ، اقتصاد.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

^۱ دانشیار گروه تاریخ پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت - ایران (نویسنده مسئول) apanahi@guilan.ac.ir

^۲ دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه الزهراء، تهران - ایران mas82hb@gmail.com

^۳ بامداد بهار، مهندسی شیمی دانشگاه کلمبیا، نیویورک - آمریکا bamdad@b.com



مقدمه

سرزمین گرجستان در منطقه قفقاز واقع بوده و گرجیان در دوران پیش از میلاد به این ناحیه ورود کردند و در قسمت‌های شرق، مرکز و غرب کوه‌های قفقاز سه حکومت مستقل به نام‌های کاخت، کارتلی و کلخید تشکیل دادند. این سرزمین در طول تاریخ همواره به عنوان گذرگاه شمالی- جنوبی برای ایرانیان شناخته شده و در حال حاضر نیز چنین نقشی در ژئوپلتیک ایران ایفاء می‌کند. با وجود اینکه منطقه یاد شده، طی سده‌های متمادی بخشی از متصرفات دولت‌های ایرانی از دوران باستان تا دوره قاجار بود، اما به دلیل داشتن پیشینه تاریخی، فرهنگی، زبان منحصر به فرد و دیگر وجوه ملی، دارای هویتی مستقل بوده، از این رو در جغرافیای سیاسی قفقاز برای خود هویتی مستقل داشته است و گرجی‌ها نیز از تشکیل چند منطقه با یکدیگر برای خود دولتی مقتدر ایجاد کردند. در سده هیجدهم میلادی دو حکومت کاخت و کارتلی به یکدیگر نزدیک شده و در این میان، تیموراز دوم^۱ و تامار با یکدیگر پیوند زناشویی بستند. ثمره این ازدواج ایراکلی دوم بود که در سال ۱۷۴۴م. از سوی نادر شاه افشار به عنوان پادشاه کارتلی- کاخت که در این زمان ادغام شده بودند، برگزیده شد. شاهزاده الکساندر میرزا و خاندان او از نسل ایراکلی دوم و همسر سوم وی، دارجان دادیانی بودند. دارجان دادیانی از ایراکلی دوم صاحب ۲۳ فرزند شد که از این میان، تنها ۱۳ نفر از آنان به سن بلوغ رسیدند. الکساندر میرزا هفدهمین فرزند آنان و دهمین فرزند پسر ایراکلی دوم از دارجان دادیانی بود. گیورگی دوازدهم (گرگین خان) فرزند ارشد ایراکلی دوم از همسر نخست وی، آنا آباشیدزه جانشین پدر بود و پس از مرگ وی به تخت سلطنت کارتلی- کاخت نشست. الکساندر میرزا پس از مرگ پدر به مقابله با برادر پرداخت و در این رویارویی به دربار ایران و فتحعلی شاه قاجار پناه برد.

ورود گرجیان به ایران پیش از این زمان و از دوره‌های تاریخی پیشین و از عصر صفویه شروع شده بود. الکساندر میرزا مانند بخشی از مردم گرجستان در جنگ‌های میان ایران و روسیه به هواخواهی ایران پرداخت و با نیروهای نظامی ایران همراه شد. یکی از مشکلات اصلی شاهزاده گرجی با گیورگی برادر تاجدارش و هواخواهی وی از روسیه در این نبرد بود و همین مخالفت الکساندر میرزا با برادر سبب نزدیکی بیشتری او به دربار ایران گردید. شاهزاده گرجی از روابط و ازدواج‌های خود صاحب سه پسر و یک دختر شد. سهراب (متولد ۱۷۹۱م.) و افراسیاب (متولد ۱۸۰۵م.) دو پسر الکساندر در ایران بزرگ شدند و به جایگاه مناسبی در

۱. پادشاه منطقه کاختی در شرق گرجستان.

دربار و جامعه ایرانی رسیدند و همانند پدر در ایران به فعالیت پرداختند. سهراب خان در دستگاه فتحعلی شاه به مقام و مناصب عالی رسید و با پاشا خانم دختر فتحعلی شاه پیوند زناشویی برقرار نمود و بر اساس ادعا و روایت بازماندگان سه خاندان نقدی، بهار و تهرانیان؛ سهراب و افراسیاب به عنوان نیای این خاندان‌ها معرفی شده‌اند. در این مطالعه، سعی بر آن است که با توجه به داده‌های تاریخی موجود و مقایسه آن با روایات خانوادگی بازماندگان به درستی و یا نادرستی این ادعا رسیده و با ترسیم شجره‌نامه‌ای مستدل، نقش آنان در فرایندهای تاریخی مورد بررسی قرار بگیرد. گرچه در کنار خاندان‌های یاد شده، ادعاهایی در باب نسبت خاندان رئیسی به سهراب خان و یا افراسیاب خان گرجی نیز وجود دارد، اما باید به این نکته توجه کرد که تا به امروز این ادعا توسط هیچیک از منابع تاریخی موجود تأیید و یا رد نشده و ردپایی از این خاندان در داده‌های تاریخی مرتبط با فرزندان الکساندر میرزا مشاهده نمی‌شود. به همین دلیل، خاندان رئیسی در این مطالعه نقشی نداشته و این ادعا نیز توسط این مطالعه رد و یا تأیید نخواهد شد. از ابزار اصلی در رسیدن به پاسخی درست در رد و یا تأیید ادعای یادشده، نخست می‌توان به داده‌های تاریخی و سپس گزارش‌ها و گفتارهای شفاهی که نسل به نسل در بین نوادگان منسوب به ایراکلی خان دست به دست شده و در اختیار نویسندگان این مقاله قرار گرفته، اشاره نمود که با رویکردی توصیفی به بررسی آن پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهشی این موضوع باید اشاره داشت که تاکنون مطالعه‌ای مستقل در باره نسب و نیای فرزندان الکساندر میرزا صورت نگرفته است. داده‌های موجود در این زمینه با استفاده از روایات و منابع تاریخی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در باره شخصیت و اقدامات الکساندر میرزا، سهراب خان گرجی و همچنین برخی اعضای این خاندان است که از گذشته تا عصر حاضر در اختیارمان قرار گرفته است. از جمله آثاری که به عنوان پیشینه پژوهشی در این حوزه می‌توان به آن اشاره نمود، مقاله محمدحسن کاووسی عراقی با عنوان: «چشم‌اندازی از روابط ایران و گرجستان مقارن تأسیس سلسله قاجار و نقش شاهزاده الکساندر میرزا» است. در این مقاله با استفاده از گزارش‌های تاریخی، داده‌های مفیدی از ایراکلی دوم پادشاه گرجستان و اقدامات سیاسی او ارائه می‌شود. دیگر اثر، مقاله فاطمه اروچی با عنوان: «روابط فتحعلی شاه قاجار با شاهزادگان و امرای گرجستان بر اساس اسناد

فارسی و روسی (آرشیوهای روسی و گرجی)» بوده که بخشی از آن به روابط سیاسی شاه قاجار و خاندان اراکلی دوم می‌پردازد. علاوه بر پژوهش‌های یادشده یکی دیگر از موضوعات مورد توجه پژوهشگران زندگانی، اقدامات و آثار محمدتقی بهار است که خود از نسل الکساندر میرزا گرجی بود. از این جمله آثار می‌توان به مقالات «ملک‌الشعراء بهار» نوشته حبیب یغمایی، «یادداشت‌های ملک‌الشعراء بهار» از محمد گلبن، همچنین مقالاتی چون «به مناسبت چهلمین سالگشت درگذشت احمد بهار: اسنادی از زندگی سیاسی- فرهنگی احمد بهار» از غلامرضا سلامی و «مهرداد بهار»^۱ نوشته نرجس بانو صبوری نام برد که پیرامون سایر اعضای این خاندان نگارش یافته است.

به هر حال، به نظر می‌رسد پژوهش‌های تخصصی در باره خاندان و نوادگان الکساندر میرزا تاکنون به صورت جدی انجام نگرفته است، هر چند مطالب پراکنده‌ای در مطبوعات، خاطرات و گزارش‌های تاریخی و دیگر منابع به چشم می‌خورد، اما در باره زندگینامه این خاندان گرجی مطالب منسجم دیده نمی‌شود. با وجود اینکه از میان نوادگان شاهزاده الکساندر با چند شخصیت برجسته به نام‌های ملک‌الشعراء محمدتقی بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۵ ش.)، شیخ احمد بهار (۱۳۳۶-۱۲۶۸ ش.) و مهرداد بهار (۱۳۷۳-۱۳۰۸ ش.) برخورد می‌کنیم، اما این شخصیت‌های علمی و فرهنگی در باره پیشینه تاریخی قوم خود مطالب چندانی ارائه نکرده‌اند. با توجه به وسعت دانش محمدتقی بهار در زمینه تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی و به تعبیر امروزه علوم انسانی، به نظر می‌رسد که باید گزارش‌های تاریخی و شفاهی ارزشمندی از پیشینه خود و خاندان منتسب به الکساندر میرزا در اختیار داشته باشد، اما اینکه چرا این مطالب را به جهت روشن شدن پیشینه خانوادگی خود برای آیندگان برجای نگذاشت، جای پرسش و تردید وجود دارد.

گرجیان در عصر قاجار

پس از ورود و افزایش فعالیت گرجیان در ایران عصر صفوی، اقدامات و نفوذ آنان در دوره قاجار نیز ادامه یافت (پناهی، ۱۳۹۴: ۴۷). بسیاری از غلامان گرجی به دربار راه یافته و با عناوینی چون خواجه، خان و میرزا به فعالیت در اندرونی، قشون، دربار و سایر مناصب کشوری مشغول شدند. مردم گرجستان به دلیل قرابت فرهنگی و دینی با روسیه در مقایسه

۱. مهرداد بهار (زاده ۱۰ مهر ۱۳۰۹ / مرگ ۲۲ آبان ۱۳۷۳) فرزند محمدتقی بهار از شخصیت‌های علمی و پژوهشگر برجسته در زمینه زبان و ادبیات فارسی و اسطوره‌شناسی در ایران بوده است.

با دیگر همسایه خود ایران، به این دولت تمایل بیشتری داشتند و به همین سبب پس از پایان حکومت صفویه و تغییرات حکومتی عدیده در ایران فرصت را غنیمت شمرده و ارتباط خود را با روسیه نزدیک‌تر از پیش کردند. با روی کار آمدن آقامحمد خان قاجار و ثبات نسبی سیاسی در ایران، ایراکلی دوم^۱ از بیم حملات جدید ایران به گرجستان در سال ۱۸۷۳م. عهدنامه‌ای با روسیه بسته و حکومت خود را تحت حمایت این دولت قرار داد و در مقابل، روسیه نیز یک لشکر روسی به گرجستان اعزام کرد و به پشتیبانی از آنان در مقابل هجوم بیگانگان پرداخت (امیری، ۱۳۷۹: ۶۰). آقامحمد خان همانند ادوار پیشین، خواهان تسلط بر سرزمین گرجستان بود و در هر فرصتی این خواسته خود را نمایان می‌نمود. وی پس از رسیدن به حکومت، حملات پی‌درپی به قفقاز را در دستور کار قرار داد و به قصد مطیع ساختن شهرهای شمالی عازم گرجستان شد و به کشورگشایی در این منطقه پرداخت (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰: ۲۳۲). از حملات وی به این منطقه می‌توان به لشکرکشی او به قفقاز و گرجستان در سال ۱۲۰۹ق. و نیز هجوم وی به شوشی در سال ۱۲۱۱ق. اشاره نمود. ناسخ‌التواریخ حمله آقامحمد خان به گرجستان را بدین‌گونه شرح می‌دهد:

«تسخیر تفلیس و توابع آن شهر به فرمان آقا محمد شاه؛ آن‌گاه آقا محمد شاه عنان اسب به سوی تفلیس بگردانید و تمامت لشکر از قفای او راه برداشتند. پس از کنار پناه‌آباد به عزم تسخیر تفلیس کوچ داد و در منزل قراچای بنه و آغروق را گذاشته، حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله را امر به توقف فرمود و از آنجا به ارکلی خان والی گرجستان منشوری نوشت که ما ملت‌مس ابراهیم خلیل خان را مقبول داشتیم و او را روزی چند مهلت نهادیم و اینک با لشکری که عدد رمل و شمار نمل دارد به اراضی تفلیس خواهیم شد، چون این مملکت از عهد شاه اسمعیل صفوی تا آغاز دولت ما، در شمار مملکت ایران بوده، باید از شریعت عقل بیرون نشوی و به حضرت ما بپیوندید ... ارکلی خان گردن از فرمان پیچیده، به حصانت برج و باره پرداخته و از شهر تفلیس با لشکری ساخته پذیره جنگ را بیرون تاخت.» (سپهر، ۱۳۵۱: ۷۶/۱-۷۵).

برای آقامحمد خان قاجار تصرف گرجستان جنبه حیاتی و ژئوپلیتیک داشت، زیرا با تصرف بر این منطقه می‌توانست سراسر قفقاز را در کنترل خود داشته باشد، در نتیجه اختار آقامحمد خان و عدم توجه حاکم گرجستان به آن، بستر حمله بر گرجستان فراهم شد.

^۱. Heraclius II

شکست گرجستان در این نبرد نه تنها موجب قتل عام و غارت شهر تفلیس گشت، بلکه در نتیجه آن پانزده هزار دختر و پسر گرجی به اسارت درآمده و به ایران آورده شدند (امیری، ۱۳۷۹: ۶۰). پس از این نبرد، گرجستان مجبور به اطاعت از ایران شد و این روند تا اوایل حکومت فتحعلی شاه ادامه داشت. پس از بروز اختلاف میان فتحعلی شاه و گیورگی دوازدهم جانشین ایراکلی دوم، رابطه مثبت میان ایران و گرجستان برهم خورد و دو کشور از یکدیگر جدا افتادند؛ گرجستان نیز به تحت‌الحمایگی روسیه درآمد (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

با ورود اسرای جدید به ایران بر تعداد مهاجران گرجی در این کشور افزوده شد. پیش‌تر بیش از دویست هزار اسیر گرجی در زمان حکومت صفویه به ایران ورود کرده (مولیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۳) و در دولت و ارتش صفویه ادغام شدند. بسیاری از این افراد در زمان حکومت قاجاریه نیز به کار خود ادامه داده و همانگونه که پیش از این اشاره گردید، با ورود اسیران جدید تعداد زیادی از آنان با عنوان خواجه، خان و میرزا به دربار، اندرونی و قشون ایران وارد شدند. در این دوره نیز همچون عصر صفوی، برخی از مهاجران گرجی در حکومت ایران دارای مقام و منصب شده و به حکومت و امارت رسیدند. یوسف خان گرجی، بانی و حاکم عراق ایران (اراک)، بیژن خان و خسرو خان گرجی از رجال دربار فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه، غلامحسین خان گرجی حاکم شهرهای اصفهان، کرمان و قزوین، سهراب خان گرجی حاکم تربت جام و تربت حیدریه و منوچهر خان معتمدالدوله گرجی فرمانده بخشی از سپاه ایران در جنگ ایران و روسیه از گرجیان صاحب‌منصب در دوره قاجاریه بودند (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰: ۲۲۵). ورود مهاجرین گرجی به ایران در دوره بعدی و در زمان حکومت فتحعلی شاه نیز ادامه یافت. به هنگام استقلال گرجستان از ایران، برخی از نجیب‌زادگان و مردم گرجستان به دلیل مخالفت با رویکردهای گیورگی دوازدهم (گرگین خان) به ایران پناهنده شدند. شاهزاده الکساندر فرزند ایراکلی دوم از مهاجرینی است که به دلیل اقدامات نسنجیده گیورگی، برادر ناتنی تاجدارش به مقابله با وی پرداخت و در روند استقلال گرجستان از ایران و سپس تسلط تزار روس بر این سرزمین به ایران پناهنده شد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت که در این پژوهش، خاندان و فعالیت‌های او بررسی خواهند شد.

الکساندر میرزا در ایران و دربار قاجار

شاهزاده الکساندر که در دربار قاجار با نام الکساندر میرزا^۱ شناخته می‌شد، یکی از مهاجرین تأثیرگذار گرجی در زمان فتحعلی شاه بود. نیای او به تیموراز^۲ دوم از کاخ و تامار از کارتلی بازمی‌گردد. نادر شاه افشار پس از سلطه بر گرجستان و بازپس‌گیری آن از روسیه، حکومت ایالت کارتلی را به تیموراز از خاندان باگراتید سپرد و پس از او پسرش ایراکلی دوم، کارتلی و کاختی را ادغام و حکومتی مستقل و متحد در منطقه قفقاز ایجاد کرد (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰: ۲۳۱). همانگونه که یاد شد، پیش از نبرد ایران و گرجستان در زمان حکومت آقامحمد خان و با توجه به قرارداد تحت‌الحمایگی این دولت با روسیه، ایراکلی دوم به نامه‌های آقامحمد خان مبنی بر سلطه ایران بر گرجستان توجه نکرد و تمایلی به برقراری رابطه سیاسی با ایران، آنگونه که مورد نظر دولت قاجار بود، نداشت. همین امر دستاویزی شد تا آقامحمد خان به این منطقه هجوم برده و تفلیس را فتح کند. پس از این رویداد، گیورگی دوازدهم جانشین ایراکلی دوم با دولت ایران ارتباطی دوستانه برقرار کرد و به اطاعت از فتحعلی شاه قاجار پرداخت (امیری، ۱۳۷۹: ۶۱). اما طولی نکشید که این ارتباط نزدیک از بین رفته و گیورگی به سمت روسیه تمایل یافت. نزدیکی وی به روسیه و شخصیت گیورگی در نهایت سبب اشغال تفلیس به دست نیروهای روس شد و گیورگی دوازدهم مجبور به کناره‌گیری از سلطنت به نفع تزار روس گردید (اروجی، ۱۳۹۷: ۴۲). الکساندر میرزا به دلیل اقدامات برادر در نقطه مقابل او قرار گرفت و پس از تلاش‌های ناموفق در گرجستان به دربار فتحعلی شاه پناهنده شد.

الکساندر (۱۸۴۴-۱۷۷۰م)، فرزند هفدهم ایراکلی دوم و همسر سوم وی، دارجان دادیانی بود و او در زمان حیات پدر مأموریت‌های لشکری و کشوری متعددی را برعهده داشت. با مرگ ایراکلی دوم، دارجان دادیانی خواستار جانشینی فرزندان خود بود و به همراهی فرزندانش الکساندر و لوئن به مقابله با شاه جدید پرداخت. پس از تسلط یافتن روسیه بر گرجستان در سال ۱۸۰۱م، الکساندر از کشور فرار کرد و برای رسیدن به حکومت گرجستان تلاش بسیار نمود. او در این راه به حمایت دولت ایران و قفقازیان شمالی دل بسته و به همین دلیل از حمایت مردمی محروم ماند. شورش‌های او در گرجستان یکی پس از دیگری با شکست روبرو شد. پس از آخرین اقدام در سال ۱۸۱۲م، و پذیرش شکست به ایران پناه آورد و تا پایان عمر در این کشور اقامت گزید. پناهندگی الکساندر به ایران به دعوت فتحعلی شاه بود. او به شاهزاده گرجی پیشنهاد نمود

۱. اسکندر میرزا

۲. زوراب

تا کشور خود را ترک کرده و به نیروهای شاه و عمر خان حاکم آوار در داغستان پیوندد (Bournoutian, 1998: 826).

الکساندر میرزا در زمان حضور در تفلیس با نینو دختر رهبر چرکس‌ها پیوند زناشویی بست و در بیست سالگی صاحب فرزندی به نام سهراب^۱ شد و پس از دو سال، همسر خود را از دست داد. سهراب گرجی در زمان حضور پدر در ایران به نیروهای قاجار پیوست و به هنگام جنگ ایران و روسیه، همچون او به حمایت و خدمت ارتش ایران مشغول گردید (خاوری، ۱۳۸۰: ۲۷). پس از ورود الکساندر به ایران و به قشون فتحعلی شاه، وی از جانب شاه به مأموریت‌های مختلفی فرستاده شد. اگر چه نقش او در دوره نخست جنگ‌های ایران و روسیه کمتر از دومین دوره این جنگ‌ها بود، اما در این زمان نیز به همراهی با نیروهای ایران و حمایت از دولت قاجار در برابر روسیه پرداخت. پس از نخستین جنگ ایران و روسیه، الکساندر میرزا به نیروهای عباس میرزا در تبریز پیوست و از سوی او به مأموریت‌های گوناگون فرستاده شد. الکساندر، در این زمان به عنوان والی ایران در گرجستان شناخته می‌شد و منابع مختلف از این موضوع یاد کرده‌اند. یکی از مأموریت‌هایش در مقام والی گرجستان و به هنگام جنگ ایران و روسیه، اعزام او و نیروهای تحت امرش به گرجستان توسط عباس میرزا بود. در سال ۱۲۴۱ق. نیروهای ایران در جبهه‌های مختلف مجبور به پذیرش شکست از ارتش روس بودند. عباس میرزا نایب‌السلطنه ایران، چند قشون به سرکردگی حاجی محمد خان قاجار، حسین خان سردار، سبحانقلی خان قاجار قزوینی و تقی خان بزچلو جهت مقابله با حملات روس به اوجارود، آباران و بالغلو گسیل داشت و خود نیز به تبریز آمده و الکساندر میرزا را به همراهی مصطفی خان شیروانی و محمدحسین خان شکی به گرجستان و شیروان و شکی مأمور نمود (سپهر، ۱۳۵۱: ۳۶۱/۱-۳۶۰). در همین سال، سهراب خان گرجی که در این زمان به عنوان غلام پیشخدمت‌باشی عباس میرزا خدمت می‌کرد، در مقابله با نیروهای روس در قریه اشتراک ایروان و خوک نخجوان شرکت نمود. عباس میرزا، سهراب خان و یوسف خان گرجی، سرهنگ توپخانه را همراه با چهارهزار سرباز به محاصره اوچ کلیسا مأمور کرد و خود به آباران رفت (خاوری، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۷)؛ این ماجرا نقش مؤثری در رشد سیاسی سهراب خان در دوره عباس میرزا داشت.

۱. تهمورث

الکساندر، پس از ورود به ایران از چند ازدواج خود صاحب دو فرزند دیگر به نام‌های افراسیاب (متولد ۱۸۰۶م.) و دختری به نام یلیزاویتا^۱ (متولد ۱۸۱۱م.) شد که هر دو در ایران زندگی کردند. افراسیاب خان پس از آنکه در دستگاه قاجاریه و تحت تأثیر فرهنگ ایران همچون برادر خود^۲ سهراب خان اسلام پذیرفت، راه خویش را از دربار جدا ساخته و به تجارت مشغول شد (بهار، ۱۳۷۶: ۳۰۴-۳۰۳). یلیزاویتا نیز به عقد سامسون خان از فرماندهان روس مشغول در سپاه ایران (Kibovskii, 1996; Cronin, 2013: 149)، درآمد و در ایران روزگار گذراند. شاهزاده گرجی، همچنین پیش از آغاز دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه در سال ۱۲۴۰ق. به ازدواج مریم ملک آقامالیان دختر یکی از مقامات ارمنی درآمد و از این ازدواج صاحب فرزندی به نام ایراکلی (۱۸۲۶م.) شد که پس از شکست ایران از روسیه به همراه مادر در منطقه ایروان ساکن شد و بعدها به خدمت ارتش روسیه درآمد (Montgomery, 1980: 66). شاهزاده الکساندر پس از شکست نهایی ایران از روسیه، برقراری پیمان ترکمانچای و تحمل شکست‌های پی‌درپی از ارتش روسیه در گرجستان، دست از فعالیت سیاسی و نظامی و ادعای مالکیت بر سرزمین پدری کشید و در ایران به اسلام گروید. الکساندر میرزا، سرانجام در سال ۱۲۵۹ق. چشم از جهان فروبست و سرنوشت خاندان او به دست فرزندان وی افتاد. بعدها خاندان او به شاخه‌های متعدد تقسیم شده و در عصر رضا شاه با توجه به اجبار ایرانیان برای اخذ شناسنامه و هویت سجلی، نوادگان ایراکلی خان به خاندان‌ها و فامیلی‌های متعدد تقسیم شدند. شجره‌نامه زیر بر اساس گزارش منابع معتبر تاریخی نسل ایراکلی خان و فرزندان‌شان در ایران و گرجستان تنظیم شده است.

^۱. Yelizavieta

^۲. درباره زندگانی افراسیاب خان دو روایت وجود دارد که یکی از آنها بر اساس منابع تاریخی قابل اثبات بوده و دیگری روایتی است که در میان برخی از اعضای این خاندان رواج دارد. در نخستین روایت، افراسیاب خان برادر سهراب خان گرجی و پسر شاهزاده الکساندر خوانده می‌شود. این روایت با توجه به اشارات متعدد منابع تاریخی و مورخین آن دوران قابل اثبات است. اما روایت دیگر، شجره‌نامه شفاهی است که در خانواده شیخ احمد بهار نواده افراسیاب خان، وجود داشته و بر اساس روایات، افراسیاب را فرزند سهراب می‌نامند. البته باید خاطر نشان کرد که برای اثبات این انتساب هیچگونه مدرک مستدلی ارائه نشده و به استناد منابع تاریخی باید آن را رد نمود. چرا که، چه از نظر زمانی و چه از منظر روایی، افراسیاب خان فرزند الکساندر میرزا از یکی از همسران غیررسمی او بود. همچنین در نوشته‌های باقی‌مانده از خاندان بهار منتسب به ملک‌الشعراء بهار که از دیگر بازماندگان افراسیاب خان و نواده دختری او هستند، وی به عنوان برادر سهراب خان معرفی شده است.

پیشخدمت باشی فتحعلی شاه و حکومت تربت جام و تربت حیدریه اشاره نمود (خاوری، ۱۳۸۰: ۳۹۰ و ۱۸۶ و ۱۰۶؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰: ۲۲۵). از دیگر مناصب سهراب خان می‌توان به مقام صاحب‌جمعی گمرکخانه‌ها (رئیس کل گمرک) اشاره نمود که در عصر ناصری و تا پایان عمر در این منصب مشغول به خدمت بود (The Ghani Collection, 1785-1925: G III A 145).

سهراب خان سه مرتبه ازدواج کرد و از این ازدواج‌ها صاحب پنج فرزند شد. او از ازدواج اول خود در سال ۱۲۲۰ق. صاحب فرزند پسری شد که پس از فوت همسر در مدت کوتاهی پس از ازدواج، این کودک تازه متولدشده نیز از دنیا رفت. سهراب پس از پانزده سال برای بار دوم ازدواج کرد و این بار صاحب دختری به نام خورشید خانم شد. خورشید خانم در سال ۱۲۳۶ق. و به هنگام خدمت پدر در تبریز و دستگاه عباس میرزا به دنیا آمد. سهراب گرجی پس از پیشرفت در دربار قاجار، در سال ۱۲۵۹ق. با پاشا خانم دختر سی‌وهشتم فتحعلی شاه پیوند زناشویی بست و از این ازدواج صاحب دو پسر^۱ به نام‌های اراکلی مشهور به والی خان و محمدعلی خان شد (سپهر، ۱۳۵۱: ۱۶۰/۲). خاوری در وصف فرزندان سهراب خان گرجی و پاشا خانم می‌نویسد:

«در ذکر اولاد امجد حضرت پاشا خانم زوجه سهراب خان گرجی؛ عدد ایشان دو نفر ذکور است و اسامی از قرار مذکور:

اول؛ سرکار اریکلی خان الملقب به والی که حسب الامر اعلی به اسم والی گرجستان مسمی گشته و این تفأل از قلب همایون گذشته به مفاد (الملوک ملهون)، بعید نیست که وقتی ما صدق این از قوه به فعل آید و از تأثیرات قضا و قدر و برآزندگی نتیجه دودمان سلطنت جاویدناثر، به اسم والی‌گری به آن کشور گراید. آن‌فرد دوم که نامش در متن نیامده، تذکره خاوری او را بندگان محمدعلی خان نامیده است که از بطن مخدره معظمه بعد از مراجعت از مکه مکرمه به عرصه وجود آمده و زینت عرصه دوران شده است.» (خاوری، ۱۳۸۰: ۵۰۶).

^۱. در برخی گزارشات علاوه بر والی و محمدعلی خان، پسر دیگری به نام حسین خان نیز به سهراب خان و پاشا خانم نسبت داده شده و برخی منابع دیگر نیز حسین خان را تنها برادر تنی والی خان معرفی می‌نمایند. سپهر، ارکلی (والی) و محمدعلی را فرزندان سهراب گرجی و پاشا خانم معرفی کرده، در حالی که خاوری با وجود اینکه به روایت سپهر پای‌بند است، در بیان فرزندان عباس میرزا قاجار، یکی از دختران او را به عنوان زوجه محمدرضا خان ولد سهراب خان گرجی معرفی می‌کند (خاوری، ۱۳۸۰: ۴۱۷) و مشخص ننموده که مقصود از محمدرضا خان کدام یک از فرزندان سهراب گرجی است. همچنین مهدی بامداد نیز در شرح والی خان در کتاب تاریخ رجال ایران، والی خان و حسین خان را تنها فرزندان مشترک سهراب خان گرجی و پاشا خانم اعلام می‌دارد و این ادعا را با ارائه تصویری از والی خان و حسین خان در کنار یکدیگر مستند می‌سازد (بامداد، ۱۳۷۸: ۳۲۳-۳۲۲).

هر یک از فرزندان سهراب خان گرجی با یکی از مقامات و شاهزادگان قجری ازدواج کردند و بدین شکل پیوند سهراب خان و خاندان قاجار روز به روز محکم‌تر شد. پیش از آنکه سهراب گرجی به دامادی فتحعلی شاه درآید، دختر خود، خورشید خانم را در سال ۱۲۵۸ ق. به عقد محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه هفتمین فرزند ذکور شاه درآورد. خورشید خانم در سال ۱۲۶۴ ق. از این ازدواج صاحب پسری به نام ابوالحسن میرزا (شیخ‌الرئیس قاجار) شد (حبیب‌آبادی، ۱۳۵۴: ۱۷۵۳) که در کودکی به بیماری آبله دچار گشته و از یک چشم نابینا شد. او در سی سالگی و از ناصرالدین شاه عنوان شیخ‌الرئیس را دریافت نمود (جواهر کلام، ۱۳۵۰: ۱۶۶؛ ابوالحسنی و قره‌داغی، ۱۳۸۶: ۳) و در روایت‌ها دختری به نام مادر از او به یادگار ماند. پسران سهراب خان گرجی نیز هر یک به مقام و منصب رسیدند و با شاهزادگان قاجاری پیوند زناشویی بستند. اراکلی خان (والی خان) پسر ارشد سهراب پس از مرگ پدر در شوال ۱۲۷۸ ق. از سوی ناصرالدین شاه و به جانشینی پدر در مقام صاحب‌جمعی گمرکخانه‌ها برگزیده شد و اموال زیادی به دست آورد. با این وجود، تمام میراث پدر را در راه قمار و شراب از دست داد و در اواخر عمر به نان شب گرفتار شد (بامداد، ۱۳۷۸: ۳۲۲).

همانگونه که یاد شد، سهراب خان در دربار فتحعلی شاه به شغل تحویل‌داری و خزانه‌داری منصوب گشت و از این‌رو، به سهراب خان نقدی نیز شهره بود. پس از گذشت سال‌ها، بازماندگان و نوادگان سهراب خان، نام خانوادگی نقدی را به همین جهت برگزیدند و بر این اساس خاندان نقدی را از نسل سهراب گرجی می‌دانند (بهار، ۱۳۷۶: ۳۰۳). برخی از نوادگان سهراب خان در مناصب نظامی مشغول به کار گشته و در قشون ایران به فعالیت پرداختند. از آن جمله می‌توان به سردار رفعت با نام اصلی سرتیپ علی‌آقا خان نقدی نظامی فعال در مشهد، از افسران عالی‌رتبه قزاقخانه در دوره قاجار و از فرماندهان رضا خان (فراهانی، ۱۳۸۵: ۵۵۳ و ۱۳۴)، سپهبد علی‌اصغر نقدی فرزند سردار رفعت که در دوره پهلوی بارها بر مسند وزارت جنگ تکیه زد و همچنین غلامحسین نقدی رئیس مدرسه نظامی دیویزیون قزاق در سال ۱۳۰۰ ش. (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲۸۹) اشاره نمود.

افراسیاب خان گرجی و خاندان بهار و تهرانیان در ایران معاصر

افراسیاب خان گرجی (متولد ۱۸۰۶ م.)، دومین فرزند پسر شاهزاده الکساندر بود^۱ که نام مادر وی در هیچیک از منابع تاریخی به ثبت نرسیده است. نینو همسر اول الکساندر میرزا دو سال پس از

^۱ گزارش‌های متعددی از کتاب‌های «ناسخ‌التواریخ» اثر محمدتقی بن محمدعلی سپهر، «تاریخ و ذوالقرنین» اثر میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، «به یاد آن روزها» اثر راشد بهار، «دیوان اشعار شادروان محمدتقی ملک‌الشعرا» به کوشش چهرداد بهار، «جستاری چند در فرهنگ ایران» اثر مهرداد بهار و نیز گزارشی از «روزنامه ایران» به تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۰، رابطه برادری سهراب خان و افراسیاب خان گرجی را تأیید می‌کنند.

ازدواج و در حالی که تنها صاحب یک فرزند بود، چشم از دنیا فرو بست؛ به همین علت، سهراب و افراسیاب از مادر جدا بودند. با توجه به اینکه روایات تاریخی برای الکساندر تنها دو ازدواج رسمی ثبت کرده‌اند و نیز بر اساس زمان تولد افراسیاب، می‌توان ادعا نمود که وی همچون یلیزاویتا حاصل یکی از روابط غیررسمی شاهزاده گرجی در مدت حضور او در داغستان و یا ارمنستان بود.

سهراب و افراسیاب پس از حضور در ایران، دین خود را تغییر داده و مسلمان شدند. افراسیاب که در این زمان سن کمتری داشت، به مسلمانی، معتقدتر و پای‌بندتر از برادر بود و خود را از کارهای دولتی و دربار جدا ساخت. وی پس از خودداری از اشتغال در کارهای دولتی، ابتدا به تهران رفت و سپس به سمت مشهد روانه شد و در تمام این مدت کار خود را به عنوان یک تاجر آغاز نمود (بهار، ۱۳۷۶: ۳۰۴). افراسیاب در همین زمان و پس از ازدواج، فعالیت خود را در تجارت بلورفروشی و نساجی با تاجران روس آغاز کرد (بهار، ۱۳۷۸: ۱۸۲). از وی، پسری به نام عباسقلی به یادگار ماند که پس از مرگ پدر، کار تجارت او را ادامه داد و در مشهد به شغل بلورفروشی پرداخت. فرزندان عباسقلی نیز در مشهد به تجارت پرداختند و در اواخر دوره قاجار و عصر مشروطه به فعالیت تجاری و سیاسی مبادرت ورزیدند. برخی از اعضای این خاندان نیز پیشه فرهنگی را در پیش گرفتند و در کنار مشارکت در فعالیت‌های سیاسی به روزنامه‌نگاری، شعر و ادبیات روی آوردند.

در دوره مشروطیت و نیز در سال ۱۲۹۷ ش. دریافت ورقه هویتی (شناسنامه) و انتخاب نام خانوادگی، گرچه هنوز اجباری نبود، اما بازماندگان الکساندر خان اندک اندک برای خود نام خانوادگی انتخاب کردند. همانگونه که فرزندان و نوادگان سهراب خان گرجی به دلیل مقام و منصب پدر، نام خانوادگی نقدی را برگزیدند، فرزندان و نوادگان افراسیاب خان نیز به دلیل مهاجرت او به تهران، نام‌های خانوادگی تهرانیان و تهرانی‌زاده را انتخاب کردند. نام خانوادگی بهار نیز به این خاندان منسوب بود و بهارها از نسل سکینه دختر عباسقلی خان و شیخ احمد از نوادگان پسری او هستند. راشد بهار در این باره گزارش می‌دهد که: شیخ محمد کاظم پدر بزرگ وی، به دلیل اقامت در تهران و سپس نقل مکان به مشهد، نام خانوادگی تهرانیان را برگزید. اما پدر او، شیخ احمد به دلیل انتشار روزنامه بهار و همچنین تحت تأثیر عمه‌زاده خود، ملک‌الشعراء بهار، نام خانوادگی بهار را جایگزین کرد و خاندان او نیز به این نام خوانده شدند (بهار، ۱۳۷۸: ۱۸۲).

از عباسقلی خان پنج فرزند به تعداد یک دختر و چهار پسر به یادگار ماند. سکینه، علی‌اصغر، شیخ محمد کاظم، محمد علی و شیخ محمد جواد فرزندان عباسقلی خان و از نوادگان افراسیاب خان گرجی بودند. سکینه فرزند ارشد عباسقلی در جوانی با میرزا محمد کاظم صبوری پیوند زناشویی

بست و به استناد شجره‌نامه این خاندان، از این ازدواج صاحب چهار فرزند شد. محمدتقی بهار (ملک‌الشعراء) یکی از فرزندان سکینه تهرانیان (بهار، ۱۳۸۰: ۲۰) و از سرشاخه‌های خاندان بهار بود. محمدتقی بهار در تاریخ معاصر ایران نقشی مهم ایفاء کرد و از چهره‌های تأثیرگذار ادبیات معاصر، سیاست و روزنامه‌نگاری ایران عصر مشروطیت و پهلوی به‌شمار می‌رود.

از سایر اسامی تأثیرگذار و شناخته‌شده خاندان عباسقلی خان می‌توان به شیخ محمدکاظم تهرانیان و شیخ محمدجواد تهرانیان، دو تن از فرزندان وی اشاره نمود. شیخ محمدکاظم (۱۳۲۰-۱۲۴۰ ش.) سومین فرزند عباسقلی و دایی ملک‌الشعراء بود. شیخ احمد بهار (تهرانی‌زاده) از فعالان ادب و سیاست خراسان نیز از فرزندان محمدکاظم بوده است (زنگنه قاسم‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۴۰). حاج محمدکاظم مردی مذهبی و از تجار برجسته شهر مشهد بود. او در بازار به حاج شیخ نیز شناخته می‌شد، همچنین به عنوان یکی از اعضای نماینده تجارتخانه مشهد برگزیده شد (بهار، ۱۳۷۸: ۱۸۲) و مقام ریاست اتحادیه بازرگانان خراسان را در اختیار داشت (فراهانی، ۱۳۸۵: ۴۰۰). در کنار فعالیت‌های تجاری، او در سال ۱۳۰۰ ش. به عنوان یکی از اعضای انجمن نظارت بر انتخابات مجلس شورای ملی در مشهد نیز انتخاب گردید (فراهانی، ۱۳۸۵: ۵۹۰). شیخ تهرانیان به شعر و ادبیات نیز می‌پرداخت و از آثار او می‌توان به شعر زیر اشاره کرد (زنگنه قاسم‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۴۱):

هر کسی را که عقل و ایمان است خالی از های و هوی و افغان است
 او چو بحر است و دیگران جویند بحر آرام و جوی نالان است^۱

شیخ احمد بهار (۱۳۳۶-۱۲۶۸ ش.) فرزند حاج شیخ محمدکاظم (؟-۱۲۴۰ ق.) از فعالان سیاسی و ادبی دوران مشروطه بود. او به دلیل راه اندازی اولین چاپخانه مجهز به دستگاه چاپ آلمانی هایدلبرگ در مشهد، از پیشگامان صنعت چاپ در این شهر به‌شمار می‌آید و پس از تأسیس چاپخانه، انتشار روزنامه بهار از مؤثرترین فعالیت‌های شیخ احمد در شهر مشهد بود (بهار، ۱۳۷۸: ۱۸۲). تا پیش از این، شیخ احمد به نام تهرانی‌زاده معروف بود، اما با انتشار روزنامه بهار و به سبب خویشاوندی با محمدتقی بهار تصمیم به تعویض نام و انتخاب نام‌خانوادگی بهار گرفت. بهار یکی از پایه‌گذاران انجمن ادبی خراسان بود که ادیبانی همچون محمدتقی بهار، ایرج میرزا، بدیع‌الزمان فروزانفر و سید حسن مشکان طبسی در آن شرکت داشتند (سلامی، ۱۳۷۶: ۷۹). او در سراسر دوران حکومت رضا شاه نقش فعال و پررنگی در سیاست ایران داشت و در دوره

^۱ اشعار منتشرنشده محمدکاظم طهرانیان

محمد رضا پهلوی نیز به مقام ریاست اداره اطلاعات و مطبوعات نخست‌وزیری رسید (فراهانی، ۱۳۸۵: ۴۰۰). همچنین فعالیت به عنوان دبیر و منشی دفتر نخست‌وزیر، دکتر مصدق از دیگر فعالیت‌های مهم او بود.

شیخ محمدجواد تهرانیان آخرین فرزند عباسقلی خان و شاید شناخته‌شده‌ترین آنها است. وی به هنگام برپایی مجلس سوم و چهارم شورای ملی ایران به عنوان نماینده مردم خراسان پا به عرصه سیاست نهاد. او در سال ۱۳۲۶ق. مصادف با استبداد صغیر به عضویت انجمن سعادت مشهد درآمد و دو سال بعد، از سوی اهالی خراسان به عنوان عضو انجمن بلدی انتخاب گردید. وی همچنین در سال ۱۳۲۹ق. و با کمک حیدر عمواغلی به برپایی تشکیلات حزب دموکرات در خراسان پرداخت (روزنامه ایران، ۱۳۰۰: ۱ و ۲؛ فراهانی، ۱۳۸۵: ۴۸۰). همانگونه که بازماندگان سهراب خان نقدی به فعالیت نظامی و شرکت در ارتش روی آوردند، خاندان افراسیاب خان نیز علاوه بر فعالیت علمی، ادبی و روزنامه‌نگاری، همواره در حوزه تجارت فعال بوده و به این شغل پرداختند.



شیخ احمد بهار در کنار دکتر محمد مصدق
(آرشیو مجموعه شخصی خاندان بهار)

نتیجه‌گیری

بخش زیادی از مهاجران گرجی، پس از ورود به ایران به دلیل شرایط اجبار سیاسی موجود و یا به منظور جذب در ساختار سیاسی موجود در ایران، دین خود را به اسلام تغییر داده و بر اساس

جایگاهی که در ایران آن زمان به دست آورده بودند، با یکی از اشراف یا عوام ایرانی ازدواج کرده و همین امر سبب آن گردید تا از نظر وراثتی با ایرانیان آمیخته شوند. خاندان شاهزاده الکساندر نیز به همین شکل، پس از پناهندگی در ایران و به علت مقام و مرتبت خانوادگی با اشراف ایرانی پیوند زناشویی بستند و وارد دربار و طبقه بالای جامعه شدند. سه تن از چهار فرزند تأییدشده الکساندر میرزا زندگی خود را در ایران ادامه داده و در مقام‌های مختلف نظامی و درباری به فعالیت پرداختند. سهراب گرجی بزرگ‌ترین فرزند الکساندر راه پدر را برگزید و مراتب پیشرفت را یکی پس از دیگری در دربار قاجار طی نمود. او همچنین با برقراری پیوند زناشویی با پاشا خانم دختر فتحعلی شاه توانست پیوند خود را با دربار بیش از پیش محکم کرده و تا پایان عمر در پیشگاه شاهان قاجار به خدمت در مشاغل حساس درباری بپردازد. یلیزاویتا دختر الکساندر میرزا نیز پس از ازدواج با سامسون خان و ورود فرزندش در دستگاه ناصرالدین شاه، همچون برادر در طبقه اشراف ایران جای گرفت. افراسیاب خان دومین فرزند ذکور الکساندر میرزا، اما راهی متفاوت از خانواده در پیش گرفت و به شغل تجارت پرداخت. این مقاله، با توجه به آنکه شجره دقیق و واضحی از خاندان شاهزاده الکساندر گرجی در دست نیست، سعی داشته است تا به روابط خانوادگی او پرداخته و خط وراثتی فرزندان و نوادگان او را نمایان سازد. با توجه به نتایج به دست آمده از این مطالعه، الکساندر میرزا دو ازدواج رسمی و چند ازدواج غیررسمی داشت و از این روابط صاحب چهار فرزند (سه پسر و یک دختر) شده است. سه فرزند نخست او پیشرفت خود را در ایران دنبال کردند و فرزند آخر وی، ایراکلی گروزینسکی (گرجی) راه خود را از پدر جدا کرد و همراه با مادر به روسیه پناه برد. شایان توجه است که نیای خاندان‌های نقدی، بهار و تهرانیان (تهرانی‌زاده) نیز به نسل این شاهزاده گرجی بازگشته و به سهراب خان و افراسیاب خان گرجی می‌رسد. همچنین یکی از دستاوردهای این مطالعه تکمیل و ارائه تصویر دقیقی از شجره این خاندان گرجی بوده است.



شجره‌نامه وراث ذکور حاج شیخ محمد کاظم طهرانیان
(از مجموعه شخصی خاندان بهار).

منابع و مأخذ

فارسی

کتاب‌ها:

اروجی، فاطمه، روابط فتحعلی شاه با شاهزادگان و امرای گرجستان بر اساس اسناد فارسی و روسی (آرشیوهای روسی و گرجی)، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۱۳۹۴، سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان. صص ۳۹-۶۴.

امیری، کیومرث، ۱۳۷۹، *زبان فارسی در جهان: گرجستان*، جلد ۱۲، تهران: انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

ابوالحسنی، جواد و معصومه قره‌داغی، *سیری در زندگی، آثار و مبارزات مشروطه‌خواهی شیخ‌الرئیس قاجار*، فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ، ۱۳۸۶، سال دوم، شماره هشتم، پاییز، صص ۱۶-۱.

بامداد، مهدی، ۱۳۷۸، *تاریخ رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، جلد ۵، تهران: زوآر.

بهار، مهرداد، ۱۳۷۸، *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.

بهار، چهارزاد، ۱۳۸۰، *دیوان اشعار شادروان محمدتقی ملک‌الشعرا*، تهران: توس.

بهار، راشد، ۱۳۷۸، *به یاد آن روزها (زندگی‌نامه)*، مشهد: محقق.

پناهی، عباس، *پیامدهای لشکرکشی‌های شاه تهماسب اول به قفقاز و گرجستان*، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ ایران و اسلام، ۱۳۹۴، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۶۴-۴۷.

جواهر کلام، علی، *شاهزاده ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس قاجار*، فصلنامه ارمنان، ۱۳۵۰، دوره چهارم، شماره ۳، خرداد، صص ۱۷۰-۱۶۵.

حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی، ۱۳۵۴، *مکارم/آثار در احوال رجال دوره قاجار دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری*، (دوره ۷ جلدی)، اصفهان: انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان.

سپهر، محمدتقی بن محمدعلی، ۱۳۵۱، *ناسخ‌التواریخ*، به تصحیح: محمدباقر بهبودی، جلد ۱ و ۲، تهران: اسلامیه.

سلامی، غلامرضا، به مناسبت چهلمین سالگشت درگذشت احمد بهان: *اسنادی از زندگی سیاسی-فرهنگی احمد بهار*، گنجینه اسناد، ۱۳۷۶، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان، صص ۹۸-۷۹.

شیرازی خاوری، میرزا فضل‌الله، ۱۳۸۰، *تاریخ و ذوالقرنین*، به تصحیح و تحقیق: ناصر افشارفرو، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم، ۱۳۸۱، *مشاهیر مدفون در حرم رضوی*، جلد ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

فراهانی، حسن، ۱۳۸۵، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، جلد ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، *تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان* (مجموعه مقالات سمینار دو روزه ایران و گرجستان)، ۱۳۸۰، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

مولیانی، سعید، ۱۳۷۹، *جایگاه گرجی‌ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران*، اصفهان: یکتا.

نشریات:

روزنامه ایران ۱۱ دی ۱۳۰۰

لاتین

Aleksander Kibovskii 1996, "Bagaderan" – Russian Deserters in the Persian Army, 1802-1839", Tseikhgauz, no, 5, original published in Russian, English tr. available on Mark Conrad's Homepage: Russian Military History: (<https://marksrussianmilitaryhistory.info/PERSIA.html>)

Bournoutian George, 1998, Alexander, Prince, Encyclopedia Iranica. Vol, 8.

Hugh Montgomery, 1980, "Burke's Royal Families of the World", Vol, 2, London: Burke's Peerage.

Stephanie Cronin 2013, "Iranian-Russian Encounters: Empires and Revolutions Since 1800", New York. Routledge.

The Ghani Collection at Yale University 1785-925. "Documents in Persian of the Qajar period". Manuscripts and Archives of the Sterling Memorial Library. Yale University.

William Monteith, 2005, "Kars and Erzeroum: With the Campaigns of Prince Paskiewitch, in 1828 and 1829; and an Account of the Conquests of Russia Beyond the Caucasus from the Time of Peter the Great to the Treaty of Turcoman Chie and Adrianople", Harvard University.

